

# انواع ولایات

پروین ابراهیم‌پور

کارشناس ارشد فلسفه  
گلام اسلامی اصحابی

از این قبیل استعمال شده است؛ چون در همه این‌ها نوعی مباشرت و اتصال وجود دارد. (همان)

## ولایت اجتناب‌ناپذیر است

اصل وجود «ولایت و سرپرستی» در عالم قابل انکار نیست. کسی که خود را در بسیاری از امور عاجز و ناتوان می‌بیند لازم می‌داند تحت تدبیر و ولایت مدبری قرار گیرد. علامه طباطبایی (ره) جعل و اعتبار ولایت را فطری می‌داند. ایشان معتقد است که هر جامعه از جوامع بشری در گذشته و حال حاضر، اعم از جوامع مترقی یا وحشی، بزرگ یا کوچک به ولایت هرگز بی‌اعتنا نبوده و این خود بهترین گواه است بر اینکه مسئله «ولایت» فطری است. (طباطبایی،

بی تا: ۸)

پس، اصل وجود «ولایت» در جهان محرز است. عمده آن است که انسان، دقیق و حساب شده عمل کند و در اتخاذ «ولی» هشیار باشد؛ زیرا اگر انسان تحت لوای حق قرار نگیرد زیر پرچم ولایت باطل می‌رود: «فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»: پس بعد از حق چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟» (یونس/ ۳۲)

## انواع ولایات (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۴-۶۵)

از نظر اسلام دو نوع ولایات وجود دارد: منفی و مثبت.

ولایات منفی آن است که مسلمانان نباید آن را بپذیرند و قرآن کریم مسلمانان را از اینکه دوستی و سرپرستی غیرمسلمانان را بپذیرند، سخت بر حذر داشته است. ولایات مثبت، که باید مسلمانان بدان اهتمام ورزند، دو نوع است: عام و خاص. ولایات اثباتی عام آن است که اسلام از مسلمانان خواسته است که به صورت واحد و مستقل زندگی کنند؛ نظامی مرتبط و اجتماعی پیوسته داشته باشند. مؤمنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب اینکه به یکدیگر نزدیک‌اند، حامی و دوست و ناصر یکدیگرند و به سرنوشت هم علاقه‌مندند.

ولایات اثباتی خاص: ولایات اهل بیت (ع)

## ولایت در لغت

ولایت (به فتح و کسر واو) از ماده «ولی» گرفته شده است (راغب، ماده ولی). برای این ماده و مشتقات آن معانی بسیاری ذکر کرده‌اند (همان) اما این لفظ برای همه معانی جداگانه وضع نشده است. البته یک معنی اصلی بیشتر ندارد و در سایر موارد با عنایت همان معنی استعمال شده است. موارد استعمال متعدد آن را نیز باید از روی قرائن لفظی و حالی به دست آورد. (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۴)

معنای اصلی این کلمه قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است، به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد؛ یعنی اگر دو چیز آن‌چنان به هم متصل باشند که چیز دیگر در میان آن‌ها نباشد، ماده «ولی» استعمال می‌شود (راغب)، به همین مناسبت طبعاً این کلمه در مورد «قرب» و نزدیکی به کار رفته است، اعم از قرب مکانی و قرب معنوی و باز به همین مناسبت در مورد دوستی، یاری، تصدی امر، تسلط و معنایی دیگر

## چکیده

معنای عام ولایت شامل ابعاد مختلف ولایات محبت، مرجعیت دینی، زعامت و ولایت تکوینی است. لیکن ولایت در مکتب شیعه، به معنای خاص خود بیانگر جایگاهی است که تالی تلو نبوت بوده و بلکه از بعضی درجات نیز از آن بالاتر است. بنابراین، به همان اندازه که بهره‌مندی از این مقاله در ابعاد مختلف زندگی ارزشمند و تأثیرگذار است، بدون شک محروم ماندن از آن، از هر جنبه، فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی ضررهای جبران‌ناپذیری به دنبال دارد؛ کما اینکه در طول تاریخ بنابر علی شاهد محرومیت جامعه از زعامت سیاسی و اجتماعی و در بعضی موارد، از مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام و تبعات ناشی از آن بوده‌ایم.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت، امامت، مرجعیت، زعامت، نبوت

است که اقسامی دارد و عبارت است از ولایت محبت، ولایت امامت، ولایت زعامت، ولایت تصرف یا ولایت تکوینی.

۱. ولایت محبت یا ولایت قربانیت به این معنی است که اهل بیت ذوی القربای پیغمبر اکرم‌اند و مردم توصیه شده‌اند که نسبت به آن‌ها به‌طور خاص، بیش از آنچه ولایت اثباتی عام اقتضا می‌کند، محبت ورزند. این مطلب در آیه ۲۳ سوره شوری آمده است<sup>۲</sup> و روایات بسیاری نیز در این زمینه از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده که محبت اهل بیت و از جمله علی<sup>(ع)</sup> را یکی از مسائل اساسی اسلام قرار می‌دهند. این نوع ولایت اگر به اهل بیت نسبت داده شود ولایت «قربانیت» و اگر به مسلمانان از نظر وظیفه‌ای که دربارهٔ علاقه به اهل بیت دارند، نسبت داده شود ولایت محبت است.

۲. ولایت امامت و پیشوایی یا مرجعیت دینی، یعنی مقامی که دیگران باید از وی پیروی کنند و او را الگوی اعمال خویش قرار دهند، که چنین مقامی مستلزم عصمت است؛ چون در غیر این صورت جامعه دچار تشنج آراء و اختلاف مذاهب می‌شود و مردم به عقاید باطل روی می‌آورند و هدف از ارسال رسل محقق نمی‌گردد.

امام رضا<sup>(ع)</sup> در بیان فلسفه رهبری می‌فرماید: اگر خداوند متعال رهبر امینی را برای سرپرستی و حفظ امامت قرار ندهد، ملت و امت به زوال و اندراس می‌روند و سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> و احکام الهی دستخوش دگرگونی می‌گردد و بدعت‌گذاران چیزهایی بردین می‌افزایند و ملحدان چیزهایی از دین می‌کاهند و در نتیجه حقیقت را بر مسلمانان دگرگون می‌سازند. (صدوق بی‌تا: ۲۵۳)

۳. ولایت زعامت یعنی رهبری اجتماعی و سیاسی. کسی که باید زمام امور جامعه را به‌دست گیرد و شئون اجتماعی مردم را اداره کند، ولی امر مسلمین است. این مقام را خداوند به پیامبر<sup>(ص)</sup> اعطا فرمود و بعد از ایشان به اهل بیت رسیده است. چنان‌که آیه اولی الامر<sup>۳</sup> و آیه ولایت<sup>۴</sup> ناظر بر چنین ولایتی است.

دربارهٔ ضرورت وجود امام معصوم آمده است، چنان‌که بدن از جهت حفظ سرمایهٔ حیات و تعدیل قوا و اعضا احتیاج به قلب و مغز دارد، جامعهٔ بشری نیز برای تعدیل قوا و تنظیم امور و رفع اختلافات بین مردم و رهبری نمودن تمام افراد به مقصد کمال و کامیابی از جمیع قوا و سرمایهٔ خدادادی، احتیاج به معدل صحیح و منظم دارد و الا جامعه از هم گسیخته می‌شود و از سرمایهٔ حیات بهره‌برداری نخواهد نمود. منظم عالم انسانیت و اجتماع، امام است که حتماً باید دارای قوای متین و فکری صائب و اندیشه‌ای توانا ناظر بر اعمال و کردار امت باشد و بین آن‌ها نظم و تعاون را برقرار کند. بنابراین، رهبر و زعیم جامعه باید معصوم و عاری از گناه و خطا باشد. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۲: ۷-۹)

۴. ولایت تکوینی یا تصرف یا ولایت معنوی، این ولایت والاترین مراحل ولایت است و مقصود آن است که انسان در پیمودن صراط عبودیت به مقام قرب الهی نائل شود و در نتیجه معنویت انسانی در وی متمرکز گردد و به فعلیت برسد. به نظر می‌رسد منظور علامه در مقایسهٔ نبوت و ولایت، همین نوع ولایت باشد.

**استاد مطهری** در کتاب خود از قول ایشان نقل می‌کند: «نبوت یک واقعیتی است که احکام دینی و نوامیس خدایی مربوط به زندگی را به‌دست می‌آورد و به مردم می‌رساند و ولایت واقعیتی است که در نتیجهٔ عمل به فرآورده‌های نبوت و نوامیس خدایی در انسان به‌وجود می‌آید». (مطهری، ۱۳۷۵: ۷۰)

علامه از این ولایت با عنوان «باطن نبوت» یاد کرده است: نسبت میان نبوت و ولایت، نسبت ظاهر و باطن است و دین که متاع نبوت است، ظاهر ولایت و ولایت باطن نبوت است (همان). حامل درجات قرب و امیر قافلهٔ اهل ولایت «امام» است (همان). این انسان کامل و حجت خداوند که مظهر اتم و اکمل «ولی‌الله» است، صاحب ولایت کلیه‌ای است که می‌تواند به اذن خداوند در مادهٔ کائنات تصرف کند که مصداق اتم و اکمل آن پیامبر خاتم<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> اند، **حضرت**

**علی<sup>(ع)</sup>** می‌فرماید: «لَهُمْ حَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۷) (امتيازات ولایت به ایشان اختصاص دارد.) و زمین هیچ‌گاه از چنین ولی خالی نیست؛ همچنان که امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «لولا الحجة لساخط الارض بأهلها.» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۲: ۴۲۸) (ترجمه: اگر حجت در زمین نباشد زمین و ساکنانش از بین می‌روند.)

**علامه طباطبایی<sup>(ع)</sup>** در اثبات چنین ولی‌ای می‌فرماید: در ثبوت و تحقق صراط ولایت، که در روی زمین مراتب کمال باطنی خود را طی کرده و در موقف قرب الهی جایگزین می‌شود، تردیدی نیست؛ زیرا ظاهر دینی بدون یک واقعیت باطنی و زندگی معنوی تصور ندارد و دستگاه آفرینش که برای انسان ظاهر دینی را تهیه نمود و وی را به سوی آن دعوت کرده است، ضرورتاً این واقعیت باطنی (ولایت) را آماده خواهد ساخت و همچنین دلیلی که بر ثبوت نبوت در عالم انسانی دلالت می‌کند و سازمان دینی را به پا نگه می‌دارد دلالت بر ثبوت و دوام و فعالیت سازمان ولایت می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۵: ۷۰)

#### پی‌نوشت‌ها

۱. اصل میحث مذکور از استاد مطهری است.
۲. قل لاسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى: بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوستی اهل بیتم.
۳. نساء/ ۵۹
۴. مانده/ ۵۵.

#### منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۰۴.
۳. حجازی، سیدمهدی...؛ دررالخبار، ج اول، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۹.
۴. حسینی طهرانی، محمدحسین؛ امام‌شناسی، ج ۱، انتشارات ترجمه‌ونشر علوم و معارف اسلامی، مشهد، ۱۴۲۲.
۵. شیخ محمدبن علی، صدوق؛ علل الشرايع، انتشارات داوری، ج اول، قم.
۶. طباطبایی، محمدحسین؛ ولایت زعامت، انتشارات امام صادق<sup>(ع)</sup>، قم.
۷. \_\_\_\_\_؛ ظهور شیعه، انتشارات شریعت.
۸. مطهری، مرتضی؛ ولایه‌ها و ولایت‌ها، انتشارات صدرا.
۹. مجلسی، محمدتقی؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الانمه الاطهار، انتشارات اسلامی، تهران.